

خطری که راديوهاى مردمى را تهدید می کند.

رافائل رونکاگلیولو*

**یکی از مدافعان این راديوها
عقیده دارد، در امریکای لاتین،
راديوهاى مردمى، در معرض
فشارهاى متعددى قرار دارند.**

گزارش MISA مؤسسه رسانه‌ای افریقای جنوبی (Media Institute South of Africa) در افریقای جنوبی، راديوهاى مردمى از پتانسیل عظیمی بهره‌مندند. برنامه‌های این راديوها در تسهیل امر سوادآموزی و آموزش، نقش مهمی دارند. همچنین با تهیه اخبار و اطلاعات با ارزش در زمینه‌های پزشکی، محیط‌زیست، کشاورزی، دموکراسی و موضوعات روز، مانند معدن عمل می‌کنند که همگان می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. تنها سرزمینی در دنیا که صدای این راديوها را خاموش می‌کند، امریکای لاتین است.

مشکلات قانونی

در این قاره، بیش از پنجاه سال است که راديوهاى مردمى، اعم از اتحادیه‌ای، آموزشی، دانشگاهی یا بومی، فعالیت دارند. خوزه اینیا چپولوپرویزیل Jose Ignacio Lopez Vigil نماینده AMARC (مجمع جهانی راديوهاى مردمى) در امریکای لاتین و کارائیب، خاطر نشان می‌کند: «این راديوها تهیه‌کننده انبوهی از اطلاعات هستند، از قیمت محصولات موجود در بازار خرید گرفته تا خبر باخت یک اسب مسابقه. آنها تاکنون هزاران شخص بی‌سواد را قادر به خواندن ساخته‌اند، به خیل عظیمی از کارگران امکان داده‌اند تا تعداد روزهایى را که زیر حد تعیین شده دستمزد گرفته‌اند، محاسبه کنند، در جریان واکنش‌های اطفال مساعدت نموده‌اند و همچنین به بزرگسالان فرصت صحبت کردن داده‌اند». در حال حاضر، تعداد راديوهاى مردمى در این منطقه بیش از ۲۰۰۰ عدد برآورد شده است که ۴۰۰ عدد آنها عضو AMARC هستند. یعنی دوبرابر آنچه در سه سال گذشته بوده است. اما با آنکه جنبش راديوهاى مردمى با پیشرفت فوق‌العاده‌ای همراه بوده، همچنان رسمیت یافتن این ایستگاه‌ها با مشکلاتی مواجه است.



یک گوینده در استودیوی رادیویی دار السلام (تانزانیا).

قاره‌ها، حق استفاده قانونی از امواج رادیویی را به دست خواهند آورد.

با گسترش جنبش‌های دموکراتیک و ظهور نیروهای تازه‌ای که در این زمینه به صورت انفرادی یا گروهی، ایفای نقش می‌کنند، در سراسر جهان، این راديوها جایگاه خود را در مقیاس‌های مختلف و با بازتاب‌های گوناگون، تثبیت نموده‌اند. این روند تا حد زیادی به نوآوری‌ها و پیشرفت‌های تکنیکی در قلمرو تجهیزات، به کاهش هزینه پخش برنامه روی امواج FM و به کاهش روزافزون امتیازهای انحصاری پخش رادیویی، وابسته است. در ایالات متحد، استرالیا و کانادا، این راديوها که از طرف دولت به رسمیت شناخته شده و از طرف قانون حمایت می‌شوند، بی‌هیچ مشکلی در کنار ایستگاه‌های راديوهای تجاری به موجودیت خود ادامه می‌دهند. پس از قانونی شدن راديوهای به اصطلاح «غیرمجاز» یا «آزاد» در زمان ریاست جمهوری فرانسوا میتران در سال ۱۹۸۲، بسیاری از کشورهای اروپایی از این الگوی فرانسوی پیروی کردند. در افریقا و آسیا، راديوهای مردمى از پویایی قابل توجهی برخوردارند. به

معمولاً با شنیدن کلمه «راديو» به یاد راديوهای دولتی و مراکز بزرگ رادیویی می‌افتیم که ۲۴ ساعته در سطح ملی، برنامه پخش می‌کنند. اما در این میان، راديوهایی با عنوان راديوهای مردم نیز وجود دارند. این راديوها در واقع به مردمی تعلق دارند که از آنان استفاده می‌کنند و مسئولیت اداره و برنامه‌سازی برای آنها نیز برعهده همین مردم است. این «راديوهای دیگر» که گاهی حوزه پخش برنامه‌هایشان، به یک ناحیه، یک محل، یا حتی چند جزیره محدود می‌شود، می‌توانند با بودجه‌ای بسیار اندک، به کار خود ادامه دهند، چون کارکنان آنها، افراد داوطلبی هستند که از میان همان اجتماعات مردمی برخاسته‌اند.

راديوهای تجاری، راديوهایی هستند با هدف سودآوری که از طریق پذیرش آگهی، سود قابل ملاحظه‌ای به دست می‌آورند. راديوهای مردمی اما، حتی اگر گاهی برای ادامه حیات به کمترین میزان آگهی متوسل شوند، به دنبال بازگشت پول نیستند، بلکه هدف آنها، ارائه خدمات به شنوندگان‌شان است. از آنجا که این راديوها در اشاعه فرهنگ صلح و گسترش دموکراسی سهیم هستند، کم‌کم در تمام

*روانشناس اهل پرو، روزنامه نگار و استاد دانشگاه، رئیس سابق مجمع جهانی راديوهای مردمی (AMARC).

ارتباطات



بخش مستقیم از رادیوی اسپرانزا (بولیوی)

به همین ترتیب مردمی بودن این رادیوها باعث نمی‌شود که آنها از کیفیت صدای نامطلوبی برخوردار باشند یا برنامه‌های کسالت‌آوری تولید کنند. درست است که آنها در شروع کار، گرفتار بحث‌های پایان‌ناپذیر و تهدیدهای بیش از حد شدند، اما از این پس این رادیوها به عرصه آزاداندیشی و همچنین طنزپردازی وارد می‌شوند و تمام وجوه زندگی را تحت پوشش می‌گیرند.

در اروپا بین رادیوهای تجاری که حرکت‌شان وابسته به درآمدزایی اقتصادی آنهاست و تشکیلات مردمی‌ای که علائق اجتماعی فرهنگی مردم را برآورده می‌سازند، همواره تمایزی آشکار وجود دارد. در امریکای لاتین چنین تمایزی هرگز قابل تشخیص نیست؛ چرا که در آنجا رادیو و تلویزیون دولتی، به طور عمده به صورت یک ابزار سیاسی به کار گرفته می‌شوند و تأثیر اجتماعی - فرهنگی محدود و حتی ناچیز آنها نیز در همین راستا تعریف می‌شود.

در ال سالوادور، قانون جدید نظام‌های ارتباط دوربرد امتیازات قابل توجهی به شرکت‌های سودآور خصوصی اعطا کرده و مقرراتی برای کمک به سرمایه‌های هر چه بزرگتر تصویب نموده است، تاحدی که دومین ایستگاه تلویزیونی معتبر و خصوصی این کشور نیز خود را در معرض خطر نابودی می‌بیند. در اروگوئه مجوز استفاده از ایستگاه‌های رادیویی، باید به تصویب وزیر دفاع برسد، و بخش برنامه بدون این مجوزها مستوجب مجازات سنگین زندان است. در شیلی حداکثر قدرت طول موج پخش به یک وات محدود می‌شود. در آرژانتین و برزیل، قوانینی مورد بحث و بررسی است که به متمرکزسازی هر چه بیشتر در مالکیت ایستگاه‌های رادیویی می‌انجامد. یعنی آنچه مغایر با کثرت‌گرایی است.

در پرو یکی از معدود کشورهای امریکای لاتین که در آن، رادیوهای مردمی با کمترین موانع قانونی به کار مشغول‌اند، در مارس ۱۹۹۸ ممنوعیت تازه‌ای گریبانگیر ایستگاه‌های رادیویی بدون هدف سودآوری شده است. آنها از این پس نمی‌توانند حتی همان چند آگهی تبلیغاتی را که به آنان امکان ادامه حیات می‌داد پخش نمایند. از آنجا که این ایستگاه‌ها از هیچ گونه کمک مالی یا تکیه‌گاه دولتی بهره نمی‌گیرند، عملاً خود را محکوم به نابودی می‌بینند. به این ترتیب همان چند صدای مخالف حکومت فعلی نیز خاموش می‌شوند.

سکوت تحمیلی

حتی مراجعه اعضای این رادیوها به مسئولان حکومتی و همچنین مداخله سخنگوی سازمان ایالت‌های امریکایی که عهده‌دار بخش آزادی مطبوعات نیز می‌باشد، هیچ توفیقی به دست نداد است. به جریان افتادن این قانون برابر است با احتمال خاموش کردن صدای ده‌ها ایستگاه رادیویی. یکی از آنها رادیو کوتیوالو (Cutivalú) است که با ۴۰۰۰۰۰ شنونده، عمده‌ترین ایستگاه رادیویی موج متوسط در ناحیه شمالی کشور است. رادیو کوتیوالو که نام خود را از رهبر سرخپوستان دوران پیش از اینکا گرفته است، در سال ۱۹۹۸ به خاطر «فعالیت‌های موفقیت‌آمیز در جهت مبارزه با فقر» از ایالات متحد جایزه‌ای دریافت کرد. این تنها ایستگاه رادیویی است که امواج خود را در اختیار «هیئت توسعه شمال کشور» (Propuesta Regional) می‌گذارد که خود مجموعه‌ای است از مجامع حرفه‌ای، دانشگاه‌ها و مؤسسات مذهبی یا

سابقاً رادیوهای مردمی در امریکای لاتین بدون تعارض چندانی به همزیستی خود با رادیوهای تجاری ادامه می‌دادند. اما از چند سال پیش تاکنون، روند متمرکزسازی وسایل ارتباط جمعی به سمتی پیش می‌رود که باعث حذف رادیوهایی با هدف غیر از سودآوری و به طور کلی ایستگاه‌های رادیویی کوچک می‌شود. در نتیجه با کاهش شمار صداهایی که از طریق امواج رادیویی به مردم می‌رسند، (اندیشه) کثرت‌گرایی به خطر می‌افتد. اکثر رادیوهای مردمی در انتظار تخصیص یک طول موج قطعی و یا یک جواز رسمی برای پخش برنامه به سر می‌برند. آنها می‌توانند به عنوان مؤسسات دولتی یا خصوصی (دانشگاهی، منطقه‌ای، وابسته به شهرداری) به ثبت برسند. اما آنچه معرف واقعی این رادیوهاست اساسنامه حقوقی آنها نیست بلکه هدفمندی آنان است: مهم این است که آنها مؤسساتی هستند بدون هدف سودآوری و بدون اهداف حزبی.

برنامه‌های قومی روی طول موج‌های ضعیف

ماهیت مردمی این رادیوها، ضرورتاً موجب نمی‌شود که آنها، رادیوهای کوچک یا محدود به امکانات ساحلی باشند. در واقع ایستگاه‌های فعلی پخش رادیویی در صدندند تا از نظر تکنیکی خود را به حد مطلوب برسانند و رادیوهایی مثل رادیو ترینیداد FM در پاراگوئه، که موجودیت خود را آغاز می‌کنند سعی دارند که این آغاز با تجهیزات مناسب صورت گیرد. حتی تعداد زیادی از آنها با وجود برخورداری از فرستنده‌های ضعیف، در اتاق‌های تحریریه‌شان از نظام اطلاع‌رسانی کامپیوتری استفاده می‌کنند و بعضی از آنها حتی از طریق اینترنت برنامه پخش می‌کنند.

دو سازمان مدافع رادیوهای مردمی

با نام جامعه امریکایی پخش رادیویی شروع به کار کرد، و در سال ۱۹۸۵ به نام کنونی درآمد، در مونتو ویدئو در اروگوئه قرار دارد. این سازمان از ایستگاه‌های رادیویی در صورتی که مطابق با ملاک‌های فنی و آئین‌نامه‌های بین‌المللی باشند، حمایت می‌کند. از این رو، این سازمان همواره در مقابل رادیوهای مردمی در موقعیتی انتقادی قرار دارد، چرا که بعضی از این رادیوها که بدون مجوز قانونی کار می‌کنند، باعث بروز مشکلاتی از قبیل تداخل امواج می‌شوند. AIR همچنین برای دستیابی به رادیویی که وسیله بیان آزادانه اندیشه‌ها باشد، مبارزه می‌کند و مراکز پخش رادیویی را چه ملی باشند چه بین‌المللی و چه دولتی باشند یا خصوصی، در همکاری‌های دوجانبه‌شان یاری می‌دهد.



● AMARC: <http://www.amarc.org>
Phone: (514) 9820351

● AIR: <http://www.distrinet.com.uy/air-lab/>
Phone: (59) 824088121

آلفردو بوئیس، ادواردو کوروشه و اسکار اورکایو، در تازه‌ترین اثرشان به نام «رادیوهای دیگر» (انتشارات Nordan-Comunidad، اروگوئه، ۱۹۹۸) در آمارگیری‌های خود، به حدود بیست اسم از قبیل: مردمی، آزاد، غیرمجاز، محلی، مشارکتی، بومی، آموزشی، انقلابی، اتحادیه‌ای، اجتماعی، ... وسعت یافته‌اند که در سراسر جهان برای نامیدن این رادیوها به کار می‌رود. رادیوهایی که در اصل نقطه مقابل رادیوهای معمولی هستند. اکثر آنها در یکی از این دو سازمان بزرگ: مجمع جهانی رادیوهای مردمی (AMARC) و یا مجمع بین‌المللی پخش رادیویی (AIR) عضو هستند. سازمان اول که در اوت سال ۱۹۸۳ یعنی سال جهانی ارتباط بین ملل متحد، به وجود آمد از تمام رادیوهایی که با هدف اجتماعی کار می‌کنند حمایت می‌نماید. در ارتقای آن در سراسر جهان و در تسهیل روابط دوطرفه‌شان آنها را یاری می‌دهد و فعالیت‌هایشان را هماهنگ می‌سازد. AMARC که دبیرخانه آن در مونرال کانادا قرار دارد، در سراسر جهان بیش از ۲۰۰۰ عضو دارد.

مرکز AIR که در سال ۱۹۶۶ در مکزیکو

امواج به کمک معلولان می آیند.

آیا افرادی که دچار فلج کامل هستند، به زودی خواهند توانست تنها به کمک انرژی مغزی شان بر صفحه کامپیوتر چیزی بنویسند؟ دو گروه از پژوهشگران، یکی در ایالات متحد و دیگری در آلمان، دستگاهی ساخته‌اند که می‌تواند به کمک دو الکتروود کوچک که در بالای سر نصب می‌شوند، امواج منتشر شده از مغز را «بخواند».

این سیستم به سر فرد معلول مبتلا به نوعی تصلب (تصلب آمیوتروفیک جانبی - تغییر شکل نرون‌های محرک سیستم عصبی) امکان داده است تا جمله‌های کوتاه را در عرض نیم ساعت بنویسند.

پروفسور ادوارد توب (Edward Taub) از دانشگاه آلاباما که با همکاری پروفسور نیلز بیربوم (Niels Birbaume) از دانشگاه توینگن در این زمینه کار می‌کند، در مقاله‌ای که در ژانویه ۱۹۹۹ در مجله New Scientist چاپ شده توضیح داده است «این افراد، مطلقاً قادر به برقراری ارتباط با دیگران نبودند». این دو نفر علائم الکتریکی صادر شده از غشای مغزی را ثبت کرده‌اند بیماران با بالا بردن توانایی خود در صدور علائم منفی یا مثبت، موفق می‌شوند جابه‌جایی نشانگر (cursor) روی صفحه کامپیوتر را در کنترل خود گیرند و با بالا یا پایین بردن آن روی صفحه، یکی از ۳۲ حرف الفبا یا یکی از علائم فرعی را انتخاب نمایند. دو گروه از محققان در حال ساختن برنامه‌های کامپیوتری هستند که بتواند باتوجه به بافت جمله و بازتاب کلمات مورد استفاده در زبان، کلمه مورد نظر را از روی دو یا سه حرف اول آن حدس بزند.

پژوهشگران بسیاری در سراسر جهان در تلاش‌اند تا با استفاده از نیروی پتانسیل امواج مغزی، به افراد فلج امکان رفع برخی از معلولیت‌هایشان را بدهند. همچنین در سال ۱۹۹۸ یک گروه استرالیایی، موفق شدند به بیماران کمک کنند تا از روی علائمی که روی نمایشگر علائم مغزی آنها (ence phalogramme) نمایان می‌شد، یک کلید برق را به کار اندازند. به علاوه در آتلانتا، گروهی با کاشت الکتروود در مغز دو بیمار آنها را قادر ساختند پیام‌هایی روی صفحه کامپیوتر بنویسند، البته این موفقیت به قیمت یک عمل جراحی خطرپذیر حاصل شد. این گروه در حال حاضر روی دستگاه‌هایی کار می‌کنند که بتوانند با کمک امواج مغزی، افراد فلج را قادر سازند تا کنترل جزئی برخی از قسمت‌های اعضای بدن‌شان را از طریق تحریک ماهیچه‌ها، در دست گیرند.



وسيله یکی از بالاترین دادگاه‌های این کشور، یک قانون برخلاف قانون اساسی تشخیص داده شود. نمایندگان دو کشور ال سالوادور و پرو هر کدام در دفاع از حقوق‌شان بیانیه‌هایی صادر کرده‌اند.

مسئله سود اقتصادی

در امریکای لاتین، سؤالات آشکاری وجود دارد از این دست که: آیا امواج رادیویی، این میراث بشریت، در آینده تنها در انحصار سودسازان تجاری قرار خواهند داشت، یا آن که اجتماعات، گروه‌های آموزشی، سازمان‌های بدون هدف سودآوری، یا به بیان دیگر، جامعه شهری با تمام گوناگونی خود خواهند توانست در این سرزمین همچون نقاط دیگر این سیاره، از حق آزادی بیان برخوردار گردند؟

نقش رادیوهای مردمی چیست؟ دفاع از حق آزادی بیان هر فرد و این یعنی کمک برای رسیدن به مرتبه تکرر آرا که یکی از اجزای اساسی تشکیل دهنده دموکراسی است، یعنی کمک به توسعه خودمختار کشورها، به فرهنگ صلح، به حفاظت از محیط‌زیست و به دفاع از حقوق شهروندان؛ مفهومی که با معیارهای مالی قابل اندازه‌گیری نیست.

حکایت حق صحبت بر روی امواج رادیویی در آغاز قرن ۲۰ شروع شده است. شمار زیادی از مدافعان آن در چهار گوشه جهان به خاطر آن مبارزه و فداکاری کرده‌اند. به این خاطر است که اکنون بیش از هر زمان دیگری باید خواستار آن باشیم که امواج، فضایی آزاد برای همگان گردند.

غیردولتی. در زمان بروز حادثه ال نینو، این رادیو در سازماندهی مردم برای مقابله با باران و سیل نقش اساسی داشته است.

طبق نظریات دریافتی از شنوندگان این رادیو، برنامه‌های مورد علاقه آنها، مشخصاً مسابقاتی است که به طور منظم در زمینه افسانه‌ها و حکایت‌های محلی، ترتیب داده می‌شود و در پرو بیش از ۳۰۰ نویسنده بومی روستایی در آنها شرکت می‌کنند. رادیو کوتیوالو همچنین جشنواره‌های منطقه‌ای آوازخوانی را که شرکت‌های مختلفی چون پاناسونیک حمایت‌کننده آنها هستند، پوشش می‌دهد. در جریان این جشنواره‌ها می‌توان صدای دهها ترانه‌سرا و آهنگساز بومی را شنید که هرگز از طریق رادیوهای تجاری پخش نمی‌شود.

در این میان، تنها رادیو کوتیوالو نیست که در معرض خطر قرار دارد، رادیو مارانون (Maranon) که در آمازون برنامه پخش می‌کند نیز خود را در چنین موقعیتی می‌بیند. در گوشه دیگری از پرو، در مجاورت مرز بولیوی رادیو اندا آزول (Onda Azol) در معرض از دست دادن شبکه خبرنگاران روستایی خود به سر می‌برد، چرا که از پرداخت حقوق آنان عاجز است.

تمامی این اقدامات در حکم تجاوز از اصول قانونی و برخلاف ضمانت‌های بین‌المللی موجود در زمینه آزادی بیان است. رادیوهای مردمی که به عبارتی رادیوهای فقیری هستند به تمام مراجع حقوقی ممکن، مراجعه کرده‌اند. در آرژانتین و پاراگوئه موفق شدند به حیات خود ادامه دهند زیرا دادگاه حق را به آنها داده است. در اکوادور، یکی از شکایت‌های آنان در نهایت باعث شد که به